

گفتگوی پروانه فروهر - ۲۵ فروردین ۱۳۷۶

با گزارشگر رادیو بیست و چهار ساعته‌ی صدای ایران حسین مهری

گزارشگر: سرکار خانم پروانه فروهر، با سپاس از شما؛ و صبح به خیر، در تهران.

پروانه فروهر: من هم با سپاس از شما؛ و شب به خیر به شما.

گزارشگر: خانم فروهر، رویدادهای تازه‌ای در رابطه با ایران پیش آمده. در درجه‌ی نخست، این رأی دادگاه می‌کونوس، که کمتر کسی باور می‌کرد این چنین نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال ببرد و متهم کند. شما محتوای این رأی را می‌دانید که چه هست. می‌خواستم از حضورتان سؤال کنم که این رأی از دیدگاه شما چه چیزی را می‌تواند تغییر بدهد و، در پیکار ملی ایرانیان، چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

پروانه فروهر: حزب ملت ایران در رابطه با این رأی در روز جمعه اطلاعیه‌ای داد به نام «افتضاح بی‌مانند». در این اطلاعیه، که تنها واکنشی است که تا کنون از سوی دگراندیشان در درون ایران صادر شده، آمده که، اگرچه بی‌شک حساب مردم ایران از سران یکه‌تاز جمهوری اسلامی به‌کلی جداست، ولی چون دادگاه برلین انگشت اشاره به سوی چند تن از سرشناس‌ترین آن‌ها دراز کرده، افتضاح بی‌مانندی در جهان ملت‌ها پدید آمده است که دیگر با آواز‌هگری‌های سیاسی بی‌مایه نمی‌توان سروته آن را به‌هم‌آورد. اگر آن‌ها که آشکارا مورد این اتهام سنگین قرار گرفته‌اند نتوانند با روشنگری همه‌جانبه به دفاع برخیزند و، با ارائه‌ی سند و مدرک درست، بی‌گناهی خود را اثبات کنند؛ جای دارد که هر چه زودتر کرسی‌های زمامداری را ترک کنند تا مردم فرصت یابند رقم‌زن سرنوشت کشور گردند تا بحران پایان یابد.

گزارشگر: خانم فروهر، با توجه به تماس شما با جامعه‌ی ایران، بازتاب این رأی در میان مردم چه بوده؟

پروانه فروهر: مردم ایران آگاهی کامل دارند از شیوه‌های کاربردی سران جمهوری اسلامی، دقیقاً این چیزها را مردم آگاه ایران می‌شناختند. توجه کنید که این شعبده‌بازی‌هایی که به راه می‌اندازند کاملاً جنبه‌ی دولتی دارد. مردم می‌دانند در چه سرزمینی و با چه حکومتی زندگی می‌کنند. هنوز در این سرزمین کم آسیب وجود ندارد. ما هنوز مسئله‌ی آقای زال‌زاده را برایمان روشن نکرده‌اند؛ آنچه را هم که در روزنامه‌ها چاپ کردند بیشتر مردم را در ابهام فرو برد، تردیدها را بالا برد و بیشتر مردم را در این نگرانی و اندوه فرو برد که در کجا دارند زندگی می‌کنند و با چه شیوه‌هایی کسانی که فقط دگراندیش هستند و هیچ کاری که براندازی باشد انجام نداده‌اند با چنین فجایی روبه‌رو می‌شوند. مردم می‌دانند و، ضمن اینکه نگران این هستند که در آینده چه خواهد شد، خوشحال هستند که جهان آگاهی پیدا کرده که ما در چه وضعی به‌سر می‌بریم و دیگر مسئله‌ی نشستن و گفتگو کردن و از راه انتقاد به جایی برسند پایان پیدا می‌کند.

گزارشگر: خانم فروهر، بفرمایید که رژیم چه عکس‌العملی در این روزها داشته، از جمله چند سلسله تظاهرات، اعلام تهدیدها، همچنین حمله‌ی ناکام دانشجویان کهن‌سال پیرو خط امام به سفارت آلمان؟ شما عکس‌العمل‌های رژیم را تماشا کرده‌اید، نظرتان چیست؟ آیا این عکس‌العمل‌ها از روی ناتوانی است یا قدرتی در پشت این عکس‌العمل‌ها وجود دارد، یعنی یک قدرت مهیب و حیوانی؟

پروانه فروهر: هیچ متهمی، آن هم با چنین اتهام‌های سنگینی، نمی‌تواند از قدرت برخوردار باشد. اگر قدرت هم باشد، با همان واژه‌ی خودتان [قابل بیان است] که نمی‌توان به کار برد. آنچه هم که انجام شده بازی‌های سیاسی است، نه واقعی.

گزارشگر: خانم فروهر، فکر می‌کنید، با توجه به این رأی دادگاه می‌کونوس و اینکه رژیم جمهوری اسلامی در سراسر جهان، به‌ویژه از رسانه‌های گروهی، متهم به تروریست بودن شده است و سران آن رسماً زیر سؤال رفته‌اند، آیا افکار عمومی جهان در این شرایط می‌تواند در کنار مبارزه‌ی ملت ایران سودمند واقع شود؟

خانم فروهر: امیدوارم، امیدوارم. باید بنشینیم و تماشا کنیم که تا کجا این داستان دنباله پیدا می‌کند.

گزارشگر: اصولاً به نظر شما، این رأی دادگاه می‌کونوس می‌تواند در درون ایران، یعنی در درون رژیم، مثل چاقوی جراحی عمل کند؟

پروانه فروهر: اگر مردم ایران به خود نیایند، نه، به هیچ وجه. شکی نیست که این حرکت‌ها می‌توانند برای آگاه کردن ذهن عمومی خیلی مؤثر باشند؛ ولی به هر صورت باید شرایط درون کشور را در نظر گرفت، اینجاست که باید کاری انجام شود. تردیدی نیست که این هماوایی‌ها می‌تواند دل‌گرم‌کننده باشد برای کسانی که در اینجا مبارزه می‌کنند؛ ولی این همه‌ی قضیه نیست. اصل قضیه درون کشور است، اینجاست که باید تصمیم نهایی گرفته شود.

گزارشگر: پیشنهاد شما در پرتو رأی دادگاه می‌کونوس به نیروهای از هم‌جدا‌ی اپوزیسیون در درون و برون مرز چیست برای همبستگی؟

پروانه فروهر: ما با همبستگی فاصله‌ی زیادی داریم. ما در درون کشور دموکراسی را نشناخته‌ایم، به ما فرصت داده نشده تا بشناسیم. ما صد سال پیکار کردیم برای آزادی؛ ولی تنها در دو سال و سه ماه و هیجده روز زمامداری مصدق بزرگ و همان نخستین ماه‌های اول انقلاب، آزادی را لمس کردیم. ما باید بیاموزیم. حتی مبارزان ما متأسفانه نیاموخته‌اند که از چارچوبشان بیرون بیایند و بر سر یک شعار واحد با همدیگر به یگانگی برسند و، تا رسیدن به آن هدف، دست از خود بودن‌ها و من‌گفتن‌ها بردارند و زیر یک پرچم سینه بزنند. این را هنوز ما نیاموخته‌ایم. کی این زمانه‌ی دون واقعاً می‌تواند به ما این را بیاموزد؟ من امیدوارم هرچه زودتر، هرچه زودتر؛ برای اینکه سرزمین ما شرایط بسیار بدی را می‌گذراند، ما بحران سختی را طی می‌کنیم و، اگر به خود نیاییم، در شرایطی که سران حکومت جز در تکاپوی نگهداشتن پایه‌های لرزان قدرت خودشان نیستند، اگر ما به یک همبستگی همگانی به صورت اصلی‌ترین وظیفه‌ی خود نگاه نکنیم و در آن راستا قدم برداریم، صمیمانه قدم برداریم - در شعار به نظر می‌رسد بسیار توانا باشیم و شاید هم کمتر ملتی در شعار بتواند به پای ما برسد؛ ولی باید در عمل و صمیمانه بخواهیم که به یک همبستگی برسیم. من آرزو می‌کنم که این زمان هر چه نزدیک‌تر باشد؛ ولی متأسفانه همین شرایطی که الان در آن به‌سر می‌بریم، همین بازی انتخاباتی‌ای که در پیش است و این صف‌شکنی‌هایی که شده، در شرایطی که ما می‌بینیم دیکتاتوری سبع‌تر شده و کارهایی که واقعاً شرم دارد یک انسان در قرن بیستم انجام بدهد برای رسیدن به هدفشان انجام می‌دهند، آن وقت [گروهی از مخالفان سیاسی] می‌گویند، برای

اینکه ثابت کنیم که آزادی نیست، در انتخابات شرکت می‌کنیم ... دیگر هیچ یک از سه قوه نیز در جای خودشان اعتبار ندارند، چه برسد به رئیس‌جمهور. بعد بیایند خودشان را کاندیدا بکنند و خیال کنند که در راستای منافع ملی حرکت می‌کنند، یعنی این گونه توجیه کنند؛ درحالی که مردم را ما می‌بینیم که [با حاکمیت] قهر هستند. همین چند روز پیش، همسر من در گفتگویی با همین رادیوی شما یک بررسی کوچک از دو روز کرد: روز دوازدهم فروردین و سیزدهم فروردین، که قشنگ نشان می‌داد که این مردم نسبت به جمهوری اسلامی چه دیدی دارند. به‌طورکلی در خاموشی و قهر و بی‌اعتنا به تمامی کردارهای جمهوری اسلامی هستند: آن روزی را که روز ملی خود می‌دانند، با تمام وجود می‌آیند به خیابان، سبزه‌ها را روی ماشین‌ها می‌گذارند و همه سعی می‌کنند نشان بدهند که می‌خواهند این روز را بزرگ بدارند؛ آن روزی را که از آن قهر کرده‌اند، آن روزی را که پاسخگوی نیازهایشان نبوده، آن روزی را که با آن همه آرمان‌های قشنگ به داخلش رفتند و دیدند که تو خالی از آب درآمده، آن روز را همه در خانه‌هایشان ماندند، خیابان‌ها واقعاً پرند پر نمی‌زد. خوب، این می‌توانست یک آزمون باشد برای این کسانی که مدعی هستند آزادی‌خواه هستند، مدعی هستند مردم را می‌فهمند، مدعی هستند که در راستای منافع مردم حرکت می‌کنند. در یک چنین فضائی، اندیشیدن به همبستگی همگانی برای من آرمان‌خواه واقعاً یک آرزوست.

ما در این راستا تلاش هم کردیم، اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی در همین راستا پدید آمد؛ ولی دیگران دست ما را نگرفتند. ما هنوز همان چهار حزبی هستیم که از آغاز بر سر رسیدن به مردم‌سالاری کنار هم قرار گرفتیم. دیگران نیامدند ما را یاری دهند و حتی در توضیحاتشان سعی کردند سنگ‌اندازی هم انجام دهند. در این صورت، جز اینکه آرزو کنم این همبستگی پدید بیاید، حرف دیگری نمی‌توانم بزنم.

گزارشگر: این چهار حزب اعلام نموده‌اند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند. در چه صورتی اعلام می‌کردند که در انتخابات شرکت می‌کنند؟

پروانه فروهر: در صورتی که به پیش‌شرط‌هایی که اعلام کرده‌ایم واقعاً توجه می‌شد، اگر فضای سیاسی باز می‌شد. البته زمان لازم است تا مردمی که سالیان دراز زیر پوشش سنگین تبلیغات جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند و شناخت واقعی ندارند کسانی را که واقعاً در راستای منافعشان قدم برمی‌دارند و در گذشته‌شان نشان داده می‌شود که جز به ایران و ایرانی نمی‌اندیشند بشناسند تا به آن‌ها رأی بدهند. اما این شناخت زمانی پیش می‌آید که آزادی وجود داشته باشد، ایمن باشند مردم، مردم از این نترسند که، اگر به در خانه‌ی شما [یک مخالف سیاسی] بیایند، فردا حقوقشان قطع می‌شود، فردا بچه‌شان از مدرسه رفتن محروم می‌شود، فردا همسرشان از رفتن به خارج محروم می‌شود و هزار چیز دیگر، ایمنی قضائی پدید بیاید، زندانیان سیاسی آزاد بشوند و شرایط دیگری که ما همه‌اش را طرح کرده‌ایم، کسانی که از ایران رفته‌اند بیرون و اینک پرپر می‌زنند برای بازگشت به سرزمینشان فرصت پیدا کنند که بیایند، بدون اینکه دلهره‌ی این را داشته باشند که وقتی وارد سرزمینشان شدند با هزارویک بدبختی روبرو خواهند شد؛ و، به هر صورت، اگر به آن پیش‌شرط‌هایی که ما برای هر گزینش ملی ضروری دانستیم توجه شده بود، یقیناً حق هر کس است که در انتخابات شرکت بکند. انتخابات میدانی است که انسان اندیشه‌هایش را می‌برد داخل مردم و مردم به آن رأی می‌دهند. کدام حزب است که دلش نخواهد در انتخابات شرکت کند؟ اما [شرکت در] انتخاباتی که از هزارویک سانسور باید بگذرد مهر تأیید زدن به نابکاری‌های جمهوری

اسلامی است، بله گفتن به تمامی زشت‌کرداری‌های جمهوری اسلامی است؛ در حالی که اگر آن شرایطی که ما می‌خواستیم پدیدآمده بود، یقیناً در آن انتخابات شرکت می‌کردیم.

گزارشگر: ممنون هستم، خانم فروهر. حرف ناگفته‌ای ندارید شما؟

پروانه فروهر: بار دیگر آرزو می‌کنم که همه‌ی کسانی که به ایران می‌اندیشند و آزادی و استقلال را دو بال از هم‌جدانشدن می‌دانند، که نبود یکی مسبب نبود دیگری است، این‌ها بنشینند و به یگانگی برسند؛ برای اینکه جز با اتحاد ممکن نیست بتوانیم از یک چنین یوغ سنگینی بیرون بیاییم.

گزارشگر: سپاس‌گزارم.